

● تاریخچه روستای گرمارود

گرمارود یا «گرماب‌رود»، تقطه پایان الموت^۱ است که در فاصله ۳۰ کیلومتری شهر معلم کلایه و ۱۳۰ کیلومتری شهر قزوین قرار گرفته و در مختصات جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و با ارتفاع ۱۸۳۰ متر از سطح دریا واقع شده است.

این روستا از شمال به قلعه «نویذر شاه»، منطقه «زرسک»^۲ و «گچ لات»^۳ از جنوب به گردنه «وانک»^۴، از شرق به گردنه «نرم»^۵ و کوه‌های «واتر و ازاتر»^۶ و از غرب به قریه «کلان»^۷ محدود شده است. بزرگان محل بر این باورند که از ایام گذشته نام روستا برگرفته از رود گرمارود (شاهرود) بوده است. عده‌ای نیز وجود آب‌های معدنی^۸ گرم و سرد دامنه کوه‌ها و پیوستن آن به رود گرمارود را وجه تسمیه گرمارود می‌دانند.

بافت قدیمی روستا همچنان در پای صخره‌های تند و تیز قرار گرفته و ساکنان آن تقریباً از نسل‌های گذشته‌اند، اما در دهه اخیر شاهد ساخت و سازهایی در حاشیه رودخانه و فضای سبز منطقه بوده‌ایم. زلزله اخیر

● محمد حسین معتمد راد
کارشناس ارشد تاریخ

● اشاره

در آن سوی دشت قزوین سرزمینی وجود دارد که کوه‌های بلند و صخره‌های تند و تیز آن، اعجاز خلقت است و خاک آن، نماد لطافت و آب آن، نویدبخش برکت؛ جایی که از مردان سخت‌کوش و زنان همدوش حکایت دارد و این حکایت به روایت نبرد و ستیز حسن صباح و یاران او خلاصه نمی‌شود؛ جایی که روایتگر رشادت‌های جنگجویان است و بیانگر احوال رنجوران! این سرزمین را الموتیا به معنای «آشیانه عقاب» نامیده‌اند و گاهی نیز از آن به «سرزمین قلعه‌ها» یاد می‌کنند. الموت سالیان سال محل تجمع انسان‌هایی بوده است که با عشق و علاقه به زندگی خود بها داده و معنا بخشیده‌اند. این منطقه، جدا از زیبایی خلقتش، حکایت‌ها و اسرار ناگفته فراوان دارد؛ بهار الموت شکوفایی طبیعت، تابستان آن صمیمیت، پاییز آن برکت و زمستان آن مظهر استقامت بشر است. با این اوصاف، گشت و گذاری داریم به یکی از روستاهای این سرزمین به نام گرمارود.

در منطقه الموت موجب شد بیش از ۵۰ درصد از بافت قدیمی گرمارود بازسازی و مقاوم‌سازی شود.

در حال حاضر بیش از سیصد و پنجاه خانوار در این روستا زندگی می‌کنند که شکل زندگی بیشتر آنان به صورت ییلاق - قشلاقی است، به طوری که مهم‌ترین مرکز تجمع اهالی آن، شهرستان کرج است و عده‌ای نیز به شهرستان‌های قزوین، هشتگرد، آبیک، تهران و تنکابن کوچ کرده و این سنت قدیمی همچنان پابرجاست.

گرمارود با نام «الموت» پیوند ناگسستنی دارد و این پیوند از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. گاهی از آن به‌عنوان «پل ارتباطی» با استان مازندران یاد می‌کنند که منشأ «اقتصادی» آن بیش از هر چیز قابل توجه است. جدا از این پیوند ناگسستنی، رمز و راز گرمارود را باید در «شاهکار بزرگ خلقت» آن جست‌وجو کرد.



«جغرافیای گرمارود» الموت

استفاده می‌کردند که هنوز هم آثار آن بافت قدیمی مشاهده می‌شود. بعد از چندین سال و با از بین رفتن درختان و جنگل در آن ارتفاعات، اهالی به کشت گندم پرداختند. امروز این ناحیه مرتفع فقط برای چرای دام‌ها به کار می‌رود و به جز چند دره مرطوب، بقیه نقاط آن خشک و عاری از هر گونه بوته و درخت است.

● کوه گچلات

در ادامه بخش شمال غربی روستای گرمارود، کوه معروف «گچلات» مشاهده می‌شود که در فصل سرما یکدست سفیدپوش است. خاک و سنگ‌های گچی آن از دیرباز مورد توجه اهالی گرمارود و آبادی‌های مجاور بوده که آن‌ها در نقاشی منازل و حمام‌های عمومی‌شان از گچ این منطقه استفاده می‌کرده‌اند و این امر تا دو سه دهه اخیر نیز رایج بود.

● ارتفاعات گرمارود کوه زردگله

در نخستین بارش‌های پاییزی، این کوه پوشیده از برف می‌شود و تا اوایل مرداد ماه همچنان این پوشش برفی باقی است. قدیمی‌ها، دیدن گل‌های زردرنگ یا زردی خاک آن را از دلایل شهرت این کوه می‌دانند. این کوه، دو روستای «گرمارود» و «وانک» را در احاطه خود دارد.

● ارتفاعات «دربند»

از دامنه‌های البرز و از نواحی مرتفع گرمارود می‌توان به ارتفاعات «دربند» اشاره کرد. از دیگر ویژگی‌های این منطقه انباشته شدن برف و تشکیل تونل‌های یخی است. از قدیم سنت این بود که اهالی در مراسم مختلف از یخ آن منطقه استفاده می‌کردند.

● کوه «پيله سره»

این کوه وسعت زیادی دارد و در قدیم پوشیده از درختان تنومند اُرس یا حورس بود. در قدیم اهالی در ساخت و سازشان از درختان این منطقه برای ستون‌ها و تیرهای منازل



دوقلوهای «کله‌قندی»

دوقلوهای کله‌قندی که در اصطلاح محلی به آن‌ها «لوله‌کمر» نیز می‌گویند، دو ستون سنگی است که هر یک حدود ۲۰ متر ارتفاع دارند و در شرق و غرب بالای روستا قرار گرفته و از قدمت زیادی برخوردارند. امروزه این دوقلوه‌ها همچنان نماد یا شاخص اصلی تاریخ گرمارود به حساب می‌آیند. از آنجا که این دوقلوه‌ها ظاهری به شکل «کله‌قند» دارند، از قدیم نزد اهالی به نام «کله‌قندی» شهرت یافته‌اند.

کوه سنگی یا دیوار سنگی

این کوه در طول کله‌قندی و ضلع شرقی گرمارود قرار گرفته است. ریزش سنگ‌های این کوه تهدیدی جدی برای ساکنان بخش شرقی روستاست که متأسفانه با توجه به زلزله اخیر منطقه و ریزش سنگ‌ها، ساکنان این بخش دوباره به بازسازی خانه‌ها پرداختند.

ارتفاعات «نرم»

این ارتفاعات، بهار و تابستانی سرسبز دارند. در قدیم پوشش گیاهی آن‌ها جنگل و درختان تنومندی به نام «حورس» بود، ولی امروزه با داشتن خاک نرم و پوشش گیاهی مرغوب، از چیدن آن برای

ذخیره دام‌ها در زمستان بهره‌برداری می‌شود.

قلعه‌های گرمارود

قلعه نویدر یا نوذرشاه^{۱۰}

این قلعه در ارتفاع بالا و در نزدیکی روستای گرمارود واقع شده که با صخره‌های سخت گره خورده است. از نظر موقعیت جغرافیایی باید آن را مهم‌ترین دژ الموت دانست. این قلعه چشم‌انداز زیبایی دارد و بخشی از دره الموت را در احاطه خود دارد، همچنین بر ارتفاعات البرز چال، زیور چال، خشچال، زردگله، بلندی‌های اواتر و ازاتر، گردنه‌های نرم لات و اوانک نیز احاطه دارد. این قلعه به لحاظ دیده‌بانی و قرار گرفتن آن در آخرین خطه الموت حائز اهمیت است، زیرا دیده‌بانان از این طریق بخشی از ارتفاعات شمال کشور و دره الموت را زیر کنترل خود داشتند. در بعضی از کتاب‌ها و سفرنامه‌های تاریخی از قلعه نویدر به نام «میمون دژ» نیز یاد می‌کنند، اما آنچه از بزرگان قریه گرمارود می‌توان نقل کرد این است که قلعه نویدر را قلعه «نوذرشاه» نیز می‌نامند.

این قلعه برج‌ها، آب‌انباری و مکان‌هایی به نام «اسب طولیه»^{۱۲} دارد که بخش اعظم آن‌ها از بین رفته است.

امروزه فرسایش زمین، آمد و شد به قلعه را دشوار کرده است، به طوری که بازدید از قلعه بدون امکانات صخره‌نوردی و بلدچی‌های محلی امکان‌پذیر نیست.

نکته قابل توجه درباره این دژ، گورستان آن است که جدا از قلعه و در مکانی به نام «خاک کافران»^{۱۳} یا به اصطلاح محلی، «کافرانی خاکی سر» واقع است. از ویژگی‌های این قلعه، قرار گرفتن آن در بالای روستاست و روایت شده که قلعه‌نشینان نیازهای اقتصادی خود را از مردمان روستا تأمین می‌کردند. هم‌اکنون کارشناسان میراث فرهنگی و محلی در یک اقدام جدی در صدد بازشناسی این دژ و تحقیق درباره آن هستند.

قلعه «پس»

این قلعه نیز در شمال گرمارود و در پشت محل قرار دارد و صخره‌های سخت نیز آن را احاطه کرده‌اند.

رودهای

گرمارود

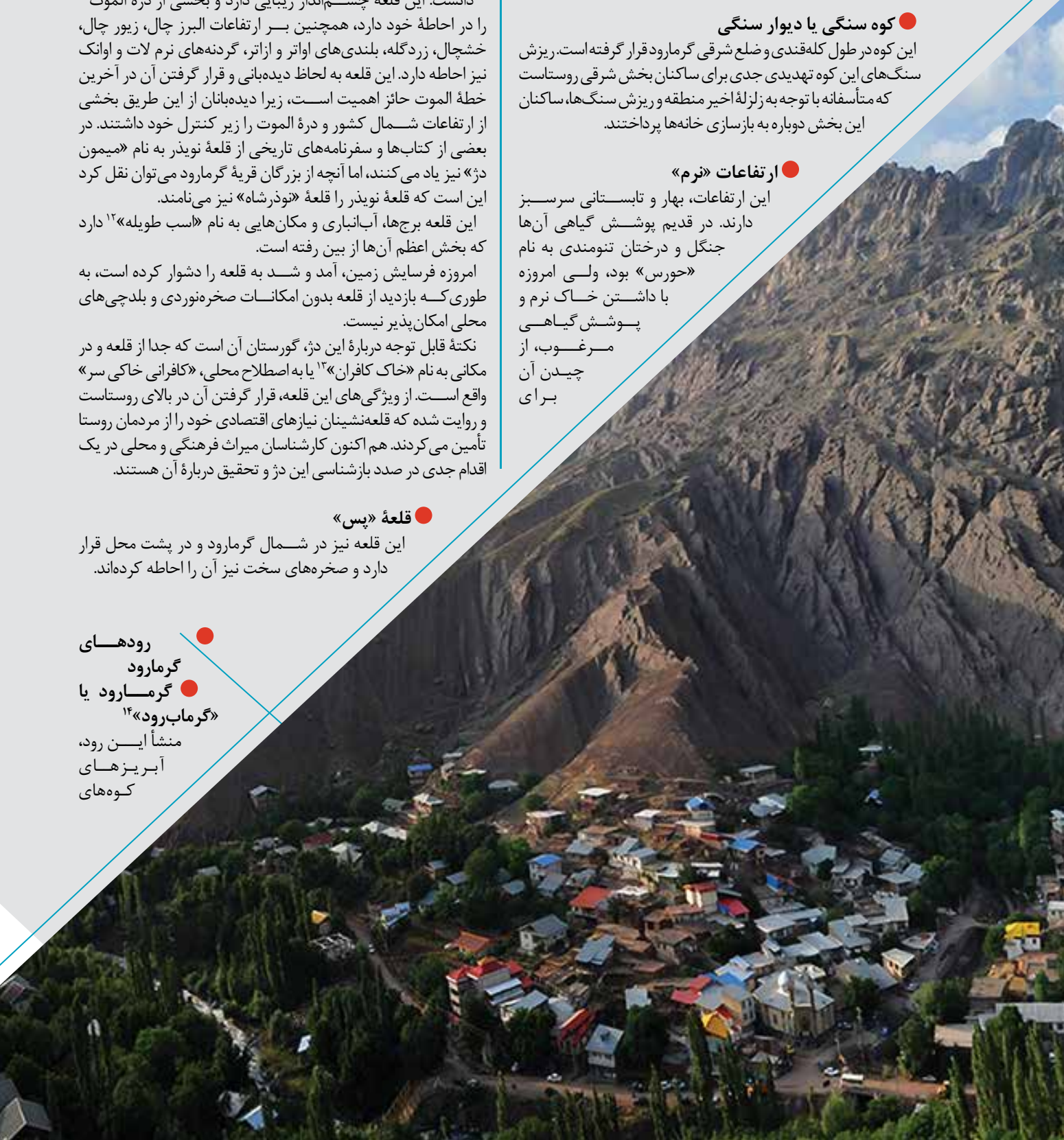
گرمارود یا

«گرمابرود»^{۱۴}

منشأ این رود،

آبریزهای

کوه‌های



شمار می‌روند. آنچه امروزه اهمیت این منطقه را دوچندان کرده است، ساخت شیلات و پرورش ماهی در حاشیهٔ دو رود آن است.

● منطقهٔ رودر یا روده^{۲۰}

این منطقه نیز از مناطق کشاورزی گرمارود به حساب می‌آید. مرغوب‌ترین محصولات کشاورزی آن، گردو، سیب و یونجه است. وجود درختان کهن سال و تنومند گردو به‌عنوان «سایبان» باعث شده است تا این منطقه به‌عنوان تفریحگاهی دائمی از نسل‌های گذشته مورد توجه اهالی قرار گیرد.

● دشت زیور

این منطقه که سالیان سال بایر مانده بود، چند سالی است که به همت اهالی زیر کشت رفته است و از محصولات آن همچون یونجه و گردو بهره‌برداری می‌شود.

● منطقهٔ پشت آسیاب^{۲۱}

گفتنی‌ها حکایت از آن دارد که قدیم‌الایام اهالی گرمارود برای آسیاب کردن گندم به این منطقه رجوع می‌کردند. از همین رو این منطقه به نام آسیاب یا «پشت آسیاب» شهرت یافته و امروزه به‌عنوان یک منطقهٔ کشاورزی همراه با محصولات سیب و گردو و فندق مطرح است.

● حاشیه‌های شرقی و غربی رود گرمارود

حاشیهٔ شرقی رود گرمارود معروف به «پسی لات» است که در آن باغ‌های کشاورزی وجود دارد. در قدیم «آسیاب آبی» روستا در این منطقه قرار داشته که امروزه خرابه‌های این اثر تاریخی همچنان آشکار است.

حاشیهٔ غربی رود گرمارود معروف به «سنگ لات» و «قلع لات»^{۲۲} است که محصولات کشاورزی آن، حبوبات، سیب، آلبالو، گیلان، زردآلو و گلابی است.

● منطقهٔ سر خر من

از دیرباز محدوده‌های این منطقه مرکز کشت گندم و جو بوده و اهالی گندم‌های خود را برای خرمن کردن به این مکان می‌آوردند. امروزه لفظ سرخرمن یا «خرمنی سر» به‌عنوان منطقه‌ای کشاورزی همچنان در اذهان اهالی باقی است. عمده‌ترین محصول این منطقه «حبوبات» است.

● مناطق زیجارگ، لوسرگ، لزور

این نواحی در شرق گرمارود قرار دارند که عمده‌ترین محصولات کشاورزی آن فندق، و گردوست. «سیب ترش» منطقهٔ «لزور» در نزد گرمارودی‌ها شهرت زیادی دارد و همچنین وجود امامزاده علاءالدین در منطقهٔ «لوسرگ» اهمیت این منطقه را دوچندان کرده است.

● منطقهٔ «لیسانک»

محدوده‌های جنوب شرقی گرمارود که در بدنهٔ کوه نیز قرار گرفته،

«اواتر»، «ازاتر» و «دینه‌رود»^{۱۵} است که همچنان از عوامل رونق کشاورزی و سرچشمهٔ اقتصاد الموت به شمار می‌آیند. غیر از شالیزارها و باغ‌های کشاورزی که در حاشیهٔ این رودخانه وجود دارند، در آن ماهی نیز پرورش می‌دهند.^{۱۶} این رود با آبریزهای کوه‌های پایین الموت ادغام شده است و در نهایت رودی بزرگ به نام «شاهرود» را تشکیل می‌دهد و به سد منجیل می‌پیوندد.

● خرد رود یا خردلو^{۱۷}

این رود از دامنه‌های «زنگلان» جاری می‌شود و در نزدیکی محل، بین دو دهنه صخرهٔ سخت، تشکیل آبشار می‌دهد که به آبشار گرمارود معروف است و پس از عبور از میانهٔ محلیه‌رود به گرمارود می‌پیوندد. یکی از پیامدهای این رود، تقسیم روستا به بخش شرقی و بخش غربی است.^{۱۸}

● زرسک رود

این رود از بلندی‌ها و دامنه‌های «زرسک» سرچشمه می‌گیرد و از آب آن همچنان در امر کشاورزی استفاده می‌شود. یکی از آثار این رود تعیین مرز روستای گرمارود باقریه کلان است.

● دره‌ها در گرمارود

● شور آب دره یا شلودره^{۱۹}

درهٔ معروفی است که بین ضلع غربی گردنهٔ «اوانک» و ضلع شرقی کوه «پيله سره» واقع شده است که به علت مرطوب بودن و گاهگاهی جاری شدن آب شور در آن و مشاهدهٔ سفیدی نمک در حاشیه‌ها، به «شور آب دره» معروف شده است.

● گرمدره

این منطقه در شمال گرمارود، پای آبشار معروف آن قرار گرفته و به‌عنوان منطقهٔ کشاورزی مطرح است. گردو مهم‌ترین محصول این بخش است.

● گنج‌دره

دره‌ای است که بخشی از آن حد فاصل ده حسن‌آباد با مزرعهٔ زیور گرمارود است و در انتهای آن، نزدیک به رودخانهٔ گرمارود، قسمتی از حد مرزی آبادی کلان را تشکیل می‌دهد.

● مناطق کشاورزی گرمارود

● ناحیهٔ مرتفع زرسک

محصولات کشاورزی این ناحیه، سالیان سال مورد توجه اهالی بوده و بیشتر آنان به شکل «شراکتی» در برداشت محصولات منطقه سهیم می‌شدند. «گردو»، مهم‌ترین محصول این ناحیه به شمار می‌رود.

● ناحیهٔ مصطفی ده

این منطقه به برکت دو رود حاشیهٔ آن به‌عنوان «کمربند سبز» مطرح است. حبوبات، سیب و گردو مهم‌ترین محصولات این منطقه به

مشهور به «ایسانک» است. این منطقه همچنان به عنوان منطقه‌ای کشاورزی مطرح است و عمده‌ترین محصولات آن یونجه، قیسی، آلبالو و گردوست.

منطقه زیورو

منطقه‌ای است کشاورزی که در غرب گرمارود قرار دارد و مهم‌ترین محصولات کشاورزی آن سیب، گیلاس، آلبالو، گلابی و زردآلوست.

منطقه جیرسرا

این منطقه در ضلع غربی روستای گرمارود واقع شده است و امروزه منطقه مسکونی - کشاورزی به شمار می‌رود.

دیگر مناطق گرمارود

منطقه گل چال

از دیگر مناطق جنوبی گرمارود، می‌توان به «گل چال» اشاره کرد. این منطقه از قدیم به دلیل داشتن خاک مرغوب برای اندودخانه‌ها مورد توجه اهالی بوده و امروزه گودبرداری‌های به جا مانده از آن نشان‌دهنده عملکرد نسل‌های گذشته است.

منطقه فال دمجار

محدوده‌های شمالی «زیورو» معروف به «فال دمجار» عاری از هر گونه کشت و درخت است. در قدیم این محدوده‌ها محل کشت گندم و جو بود، اما اکنون تپه‌های آن به دلیل وجود «گون»^{۲۵} و بعضی از بوته‌های ریز و درشت، منطقه مناسب برای چرای دام‌هاست. «مرز باغ رود»، «تمی جارگ»، «جولک»، «خور توسر»، «خشچال»، «زیورچال»، «چل نو»، «لات آسیاب» و «دوران» از دیگر مناطق گرمارود به شمار می‌روند.

آب معدنی گرمارود

گرآب یا گرآو

گرآب آب معدنی معروف الموت است که در چند کیلومتری روستای گرمارود قرار گرفته و از شهرت خاصی برخوردار است.

آبشار گرمارود

از دیدنی‌های گرمارود، آبشار آن است که پرش آب آن در فصل بهار دیدنی است. بخشی از آبشار، «پله‌گونه» است که خود آبشارهای دیگری را تشکیل می‌دهد. این آبشار بین دو دهنه از صخره‌های سخت قرار گرفته و از نقاط متعدد دیده می‌شود. روستای گرمارود، این خطه پایانی الموت، اگر به خوبی به تصویر کشیده شود، عظمت و ثروت آن آشکارتر خواهد شد.

بازسازی نکردن قلعه معروف آن (قلعه نویدز)، بی‌توجهی به حاشیه‌های آبشار گرمارود، غفلت از بازسازی و مرمت زیارتگاه‌ها، نبودن تسهیلات بهداشتی و درمانی، بی‌توجهی به مکان‌های ورزشی از جمله مواردی است که یاری مسئولان استان و دولت‌مردان را می‌طلبد.

همسایگان گرمارود

گرمارود از شمال شرقی به روستای «پیچ‌بن»^{۲۷} و از شرق به ارتفاعات «واتر و ازاتر»، «نرم لات» و «دینه‌رود»، از جنوب به «روستای اوانک» و از غرب به «روستای کلان» محدود می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. الموت (alamout) در قدیم به «آلهاموت» نیز شهرت داشت. «آله» به زبان دیلمی به معنای عقاب و «آموت» به معنای آشیان است. حمدلله مستوفی، الموت را نخست «آله‌اموت» به معنای «آشیانه عقاب» نامیده است. (تاریخ گزیده، ص ۵۱۸)
۲. زرسک، یک منطقه کشاورزی است که محصولات درختی آن بین طایفه‌ای از روستای گرمارود مشترک است، ولی زمین و محصولات زمینی متعلق به خود اشخاص است.
۳. اصطلاح «لات» به حاشیه‌های پایانی کوه که توأم با سنگ‌های ریز و درشت و بعضاً با یک نهر آب همراه است اطلاق می‌شود.
۴. اوانک، یکی از روستاهای الموت شرقی است که در ضلع جنوبی گرمارود قرار دارد.
۵. گردنه «نرم» از گردنه‌های سرسبز الموت شرقی است که در ضلع شرقی گرمارود قرار دارد.
۶. کوه‌های «واتر و ازاتر»، از ارتفاعات الموت شرقی هستند که مهم‌ترین آبریزهای دره الموت به شمار می‌روند.
۷. قریه «کلان» یکی از روستاهای الموت شرقی است که در ضلع غربی گرمارود واقع شده است.
۸. بخشی از رودهای منطقه که رود بزرگ گرمارود را تشکیل می‌دهند، دارای املاح و مواد معدنی هستند.
۹. یکی از ویژگی‌های این منطقه وجود سنگ‌های آهن آن است که با همت یکی از جوانان تلاشگر گرمارود در حال بهره‌برداری است.
۱۰. روایت‌های محلی حکایت از آن دارد که آخرین حاکم این قلعه، یعنی نودرشاه از حاکمانی بوده که احتمالاً در لشکرکشی‌های مغول به قتل رسیده است.
۱۱. از محدوده‌های پایانی ارتفاعات و حاشیه روستاها در الموت شرقی تا حاشیه‌های بخش رودبار شهرستان و رازمیان در الموت غربی که همه به رودخانه شاهرود منتهی می‌شوند، دره الموت «شکل می‌گیرد».
۱۲. مکانی بود که قلعه‌نشینان از آن برای نگهداری اسبان خود استفاده می‌کردند.
۱۳. اصطلاح خاک کافران همان گورستان را گویند که اجساد سربازان قدیم که به آنان «ملاحده» می‌گفتند، در آنجا دفن شده‌اند.
۱۴. بزرگان محل بر این باورند که از ایام گذشته نام این رود به خاطر جاری شدن آب‌های معدنی گرم و سرد از دامنه کوه بوده است.
۱۵. دینه‌رود یکی از رودهای الموت شرقی است که سرچشمه رود بزرگ الموت (شاهرود) به شمار می‌رود. وجه تشابه نام آن به دلیل نام آبادی آن است.
۱۶. بخشی از دره الموت مثل کناره‌های مصطفی ده در گرمارود و منطقه خوبان که به حاشیه رودخانه منتهی می‌شود محل پرورش ماهی قزل‌آلاست.
۱۷. خردلو یک اصطلاح محلی است، یعنی رود کوچک، که نسبت به رود مقابل آن، یعنی گرمارود، آب کمتری دارد.
۱۸. تقسیم روستا را به اصطلاح محلی، این دست محله و آن دست محله گویند.
۱۹. شلودره یک اصطلاح محلی است که از قدیم در محاورات و گفت‌وگوها به کار برده می‌شده، ولی در ادبیات جغرافیایی آن را «شورآب دره» گویند.
۲۰. منطقه‌های خوش آب‌وهواست که در قدیم اهالی گرمارود به خاطر آرامگاه امامزاده آن هر هفته جمعه‌ها به آنجا کوچ می‌کردند و آن روز را آنجا به سر می‌بردند. این سنت هنوز پابرجاست.
۲۱. قدیمی‌های محل از سکونت داشتن اجداد خود در این منطقه خبر می‌دهند.
۲۲. قلع، نوعی از گیاه است که شاخص اصلی‌اش برگ پهن آن است
۲۳. جیر در اصطلاح محلی به معنای پایین و سورا به معنای مسکن است. وجه تشابه منطقه به نام «جیرسرا» به خاطر این بوده که از قدیم تا اکنون محل سکونت بخشی از اهالی بوده است.
۲۴. «چال به» به معنای گودال است و در اصطلاح محلی به آن «چاله» گویند.
۲۵. «گون» یک نوع گیاه صحرایی (بوته‌ای شکل) است که تیغ‌های تیزی دارد و اهالی از آن برای سوخت استفاده می‌کردند.
۲۶. «گرآو» یک اصطلاح محلی است (گر + او). «گر» یک ماده معدنی و «او» مخفف آب است. در کناره‌های رودها و چشمه‌های آن، آب معدنی‌های جوشانی جاری است که از آن در درمان بعضی از بیماری‌ها استفاده می‌شود.
۲۷. از مرتفع‌ترین روستاهای الموت شرقی می‌توان روستای «پیچ‌بن» را نام برد که در نقطه پایانی الموت واقع شده است. «کاروان‌سرای سنگی» معروف به عنوان یکی از آثار معروف الموت در میراث فرهنگی استان قزوین به ثبت رسیده است.